

بررسی ابعاد مکانی - فضایی تروریسم

دکتر جواد اطاعت - دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی
علی اکبر دبیری - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۱۸

چکیده

تروریسم اگرچه از نظر ماهیت پدیده سیاسی محسوب می‌شود، اما دارای ابعاد و جنبه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، روانی و مکانی نیز می‌باشد که توسط متخصصان رشته‌های مرتبط بررسی می‌شود. در این میان، ارزیابی ابعاد مکانی- فضایی تروریسم و حملات تروریستی به دلیل ماهیت سیاسی این پدیده، در رشته جغرافیای سیاسی موضوعیت پیدا می‌کند. مسئله اصلی پژوهش حاضر نیز که با روش توصیفی- تحلیلی انجام پذیرفته است، شناسایی و تبیین ابعاد مکانی- فضایی تروریسم است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که تروریسم شش بعد مکانی و جغرافیایی مهم دارد. نخست فضاهای که تروریسم در آنها شکل می‌گیرد، دوم مکان‌هایی که تروریست‌ها هدف قرار می‌دهند، سوم قلمروخواهی سازمان‌های تروریستی، چهارم مقیاس جغرافیایی عملکرد گروه‌های تروریستی، پنجم ابزارها و تکنیک‌های جغرافیایی مورد استفاده آنها و ششم بازتاب‌های فضایی و ژئوپلیتیکی حملات تروریستی. برخی از این ابعاد دارای ماهیت ساختاری و تعدادی نیز به رفتار تروریست‌ها مربوط می‌شود. بنابراین تروریسم هم به لحاظ ساختاری هم از جنبه عملکردی دارای ابعاد مکانی- فضایی مهمی است. واژه‌های کلیدی: تروریسم، حملات تروریستی، تحلیل جغرافیایی، ابعاد مکانی- فضایی.

۱- مقدمه

ترور^۱ پدیده‌ای جدیدی محسوب نمی‌شود و قدمت آن به تاریخ شکل‌گیری سیاست و حکومت باز می‌گردد. اما در چند دهه گذشته و از اواخر قرن بیستم میلادی با توسعه تکنولوژی و ابزارهای ارتباطی، گسترش سلاح‌های پیشرفته، سازماندهی پیچیده، استفاده از قدرت‌ها و شکل‌گیری انگیزه‌های قومی، ملی و ایدئولوژیک؛ روز به روز به قدرت و نقش‌آفرینی گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی افزوده شده است (Izady and Dabiri, 2014: 2). به طوری که تروریسم به یکی از چالش‌های اساسی جهان در قرن بیست و یکم تبدیل شده است. گسترش حملات تروریستی در سال‌های اخیر موجب شده است که متخصصان رشته‌های مختلف علوم انسانی، جنبه‌های مختلف این پدیده را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده تا دلایل و زمینه‌های شکل‌گیری و گسترش آن را تشریح کنند. در میان ابعاد مختلف تروریسم؛ بعد مکانی- فضایی آن مورد توجه خاص جغرافی‌دانان سیاسی است. جغرافیای سیاسی به‌عنوان رشته‌ای علمی از یک منظر به بررسی ابعاد مکانی- فضایی پدیده‌ها و مسائل سیاسی می‌پردازد. از آنجایی که تروریسم هم از نظر ماهیت پدیده‌ای سیاسی محسوب می‌شود، بررسی ابعاد مختلف فضایی- مکانی آن در قلمرو علم جغرافیای سیاسی موضوعیت پیدا می‌کند. با این وجود، در ادبیات تروریسم، تنها تعداد کمی از مطالعات جغرافیایی وجود دارد. ادبیات موجود در مطالعات جغرافیایی تروریسم بسیار اندک و تمرکز آن نیز بر توزیع و انتشار تروریسم بین مناطق جغرافیایی است. از سوی دیگر بسیاری از این مطالعات فاقد چهارچوب نظری هستند (Gallaher et al, 2012: 266). این در حالی است که بسیاری از گروه‌های تروریستی تحت تأثیر ویژگی‌های جغرافیایی مناطق و کشورهای مختلف یا اهداف سرزمینی شکل گرفته‌اند. همچنین فعالیت‌ها و اقدامات گروه‌های تروریستی تأثیرات غیرقابل انکاری در مکان‌ها و فضاها جغرافیایی گذاشته است. بنابراین کمبود و ضعف تحقیقات علمی جغرافی‌دانان سیاسی در ارتباط با تروریسم از یک سو و اهمیت مکان و فضاها جغرافیایی در شکل‌گیری، رشد و استفاده تروریست‌ها از سوی دیگر، شناسایی و تبیین نظامند ابعاد مکانی- فضایی این پدیده را الزامی می‌سازد.

۲- روش تحقیق

روش مطالعه این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. در جمع آوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای، اسنادی و همچنین وبسایت‌های علمی و گزارش‌های بین‌المللی در ارتباط با حملات تروریستی استفاده شده است.

سوال پژوهش: تروریسم و حملات تروریستی دارای چه ابعاد مکانی-فضایی هستند؟
فرضیه پژوهش: تروریسم دارای شش بعد مکانی - فضایی شامل: ۱- فضاهای شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی؛ ۲- مکان‌های مورد حمله؛ ۳- قلمروخواهی و اهداف سرزمینی؛ ۴- مقیاس جغرافیایی عملکرد؛ ۵- استفاده از مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی؛ ۶- بازتاب‌های فضایی و ژئوپلیتیکی است.

۳- مبانی نظری

۳-۱- تروریسم و حملات تروریستی

اصطلاح تروریسم در زبان انگلیسی برای اولین بار در سال ۱۵۲۸م مورد استفاده قرار گرفت (Alex P Schmid, 1997: 12). تروریسم با مفهوم جدید خود، در پی از انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ مطرح شد. انقلابیون فرانسوی تروریسم را در فاصله زمانی سال‌های ۱۷۹۵-۱۷۸۹ به‌عنوان شیوه و روشی رسمی اعمال می‌کردند. بنابراین واژه تروریسم در فرانسه به‌معنی وحشت و ترس آمده و تروریسم به اصل حکومت وحشت و فشار و به‌شیوه‌ای که در آن از قتل‌های سیاسی و ترور دفاع گردد، اطلاق می‌شود (در زبان فارسی برای واژه تروریسم هیچ معادل فارسی در نظر گرفته نشده است). با این حال تاکنون هیچ تعریف جامع و مانعی از تروریسم که مورد توافق تمام کشورها و سازمان‌ها باشد ارائه نشده است. دانشگاهیان، سیاست‌مداران، کارشناسان امنیتی و روزنامه‌نگاران تعاریف مختلفی از تروریسم را ارائه می‌دهند. تروریسم برای عده‌ای یک جرم محسوب می‌شود، در حالی که برای دیگران فعالیتی است که از سوی خدا تکلیف شده است، برای برخی نیز عملی مشخص برای کسب و حفظ قدرت به‌شمار می‌آید و عده‌ای آن را به‌عنوان یک اقدام در برابر ظلم و ستم توجیه می‌کنند، برای برخی نیز تروریسم به‌معنی حمله به صلح و امنیت است و برای دیگران تلاشی برای جستجوی هویت محسوب می‌شود (Lazare, 2002: 13). بنابراین تعریف تروریسم

بسیار مجادله برانگیز است. شاید به همین دلیل است که بیش از ۲۱۲ تعریف در مورد تروریسم وجود دارد که از این تعداد، ۹۰ مورد آنها از سوی حکومت‌ها و دیگر نهادها به کار گرفته می‌شود (Spencer, 2006: 3). با این حال برای رسیدن به یک تعریف مورد اجماع، باید به مهمترین و اساسی‌ترین ویژگی‌های تروریسم توجه شود. از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های تروریسم که در اکثر تعاریف وجود دارند عبارت‌اند از به‌کارگیری خشونت، داشتن اهداف سیاسی، هدف قرار دادن غیرنظامیان (Ganor, 2002: 294-295) و ایجاد فضای رعب و وحشت. بنابراین با توجه به این ویژگی‌ها، تروریسم و حملات تروریستی عبارت است از: «استفاده یا تهدید به استفاده از خشونت (با ابزارهای مختلف) توسط فرد، گروه و یا دولتی بر علیه اتباع (عمدتاً غیرنظامی) یک یا چند کشور به منظور ایجاد رعب و وحشت در جامعه هدف و دستیابی به اهداف سیاسی».

تقریباً یکصد کشور از پایان جنگ جهانی دوم هدف حملات تروریستی قرار گرفته‌اند. که حدود دو سوم این حملات در دو دهه گذشته صورت گرفته و کشورهای محل وقوع این حملات نیز هنوز در معرض این تهدید می‌باشند (Cohen, 2008: 185). آمارهای نشان‌دهنده افزایش تعداد و قربانیان حملات تروریستی در سال‌های اخیر است به طوری که تنها در سال ۲۰۱۱ بیش از ۱۰۰۰۰ حمله تروریستی در ۷۰ کشور جهان به وقوع پیوسته که نتیجه آن کشته شدن بیش از ۱۲۵۰۰ نفر بوده است (NCTC, 2012: 9). همچنین با شکل‌گیری گروه‌های تروریستی تکفیری- تروریستی داعش و جبهه‌النصره در عراق و سوریه حملات تروریستی و قربانیان آن افزایش چشمگیری داشته است. میزان مرگ‌ومیر ناشی از درگیری‌های با تروریست‌ها در کشور عراق از بیش از ۸ هزار نفر در سال ۲۰۱۳ م به بیش از ۱۸ هزار نفر در سال ۲۰۱۴ رسید. شرایط در سوریه از این هم وخیم‌تر بود و فقط در سال ۲۰۱۴ بیش از ۷۲ هزار نفر غیرنظامی در ناآرامی‌های این کشور جان خود را از دست دادند (Global Peace Index, 2015, 25).

۲-۳- انواع تروریسم

تروریسم بر اساس معیارها خاصی به انواع مختلف طبقه‌بندی شده است. در جدول شماره ۱ انواع تروریسم بر اساس «بازیگران»، «اهداف»، «مقیاس عملکرد» و «روش‌های مورد استفاده»

آورده شده است.

جدول شماره ۱: طبقه‌بندی انواع تروریسم

معیار طبقه‌بندی	تعاریف و ویژگی‌ها
بازیگران	تروریسم دولتی: اقدامات تروریستی به وسیله یک دولت علیه دولت‌ها یا ملت‌های دیگر که شامل موارد مانند آموزش، تأمین مالی، پناهگاه دولتی و تهیه تسلیحات برای تروریست‌ها می‌شود (Aust, 2010: 256).
	تروریسم غیردولتی: گروه‌های کوچکی از بازیگران غیردولتی به دلیل درک نکردن اقدامات مشروع سیاسی یا نداشتن دسترسی و امکان برای چنین اقداماتی، برای پیشبرد اهداف سیاسی خود به خشونت متوسل می‌شوند.
اهداف	تروریسم تجزیه‌طلب: نوعی از تروریسم با اهداف و انگیزه‌های ملی است. این نوع از تروریسم معمولاً از سوی یک گروه قومی-مذهبی اقلیتی در داخل جمعیت اکثریت دنبال می‌شود.
	تروریسم مذهبی: شامل اقدامات تروریستی با انگیزه‌های مذهبی است که در آن اهداف گسترده‌ای تعریف می‌شود و اندازه خشونت نامحدود است (Hoffman, 1998: 94).
مقیاس عملکرد	تروریسم جناح چپ و راست: گروه‌های افراطی با اندیشه‌های چپ و راست سیاسی-اقتصادی‌اند که برای اجرای الگوی حکومتی مدنظر خود، به اقدامات خشونت‌آمیز و تروریستی علیه رقبای سیاسی تروریسم داخلی: این نوع تروریسم در جنبه‌های مختلف عاملان، حامیان، قربانیان و اهداف مربوط به جغرافیای سیاسی یک کشور را شامل می‌شود.
	تروریسم بین‌المللی: به تروریسم مربوط به شهروندان و اموال بیش از یک دولت (کشور) گفته می‌شود (CRS, 2008: 31).
روش‌های مورد استفاده	تروریسم جهانی: این نوع از تروریسم در مقیاس جهانی منتشر شده است و از نظر اهداف، اعضا و پناهگاه نیز ویژگی جهانی و فراسرزمینی دارد.
	تروریسم متعارف: در بیشتر حملات تروریستی از روش‌هایی مانند بمب‌گذاری، حملات مسلحانه، آدم‌ربایی، هواپیمارمایی و مانند آن استفاده می‌شود که با توجه به ابزارها و روش‌های مورد استفاده، تروریست متعارف ^۱ نامیده می‌شوند.
	تروریسم نامتعارف: به استفاده از روش‌های نامتعارف در حملات تروریستی گفته می‌شود که شامل شامل تروریسم شیمیایی ^۲ ، بیوتروریسم ^۳ ، تروریسم هسته‌ای ^۴ ، تروریسم مجازی ^۵ و تروریسم انتحاری ^۶ می‌شوند.

- 1 - Conventional
- 2 - Chemical Terrorism
- 3 - Bioterrorism
- 4 - Nuclear Terrorism
- 5 - Cyber Terrorism
- 6 - Suicide Terrorism

۳-۳- نظریه‌های تبیین کننده ابعاد مختلف تروریسم

با گسترش روز افزون تروریسم و حملات تروریستی در نقاط مختلف جهان، اندیشمندان رشته‌های مختلف علوم انسانی از جمله علوم سیاسی، علوم اجتماعی، اقتصاد، روانشناسی و روابط بین‌الملل تلاش کرده‌اند ابعاد مختلف این پدیده و دلایل شکل‌گیری و رشد آن را با نظریه‌های و رویکردهای مختلف بررسی و تشریح کنند. در جدول شماره ۲ خلاصه انواع نظریه و رویکردهای تبیین کننده پدیده تروریسم و ابعاد مورد مطالعه آنها آورده شده است.

جدول شماره ۲: انواع نظریه و رویکردها تبیین کننده پدیده تروریسم و ابعاد مورد مطالعه آنها

ابعاد مورد تأکید	دلایل شکل‌گیری و رشد تروریسم	نظریه/ رویکرد
اقتصادی- سیاسی	تروریسم حاصل وجود محرومیت یا احساس محرومیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی در مقیاس ملی و بین‌المللی است.	نظریه محرومیت نسبی
اجتماعی	مشاهده رفتار تروریستی و تجلیل جامعه از آنها، باعث تقلید و یادگیری این رفتار توسط نوجوانان و جوانان می‌شود.	نظریه یادگیری اجتماعی
اجتماعی- سیاسی	تروریسم پدیده‌ای جمعی است که در طی چهار مرحله «شکل‌گیری نارضایتی»، «تقویت ایدئولوژی نارضایتی»، «ظرفیت برای سازمان‌دهی» و «فرصت سیاسی» شکل می‌گیرد.	نظریه عمل جمعی
فرهنگی- هویتی	تروریست‌ها مردم را به دو دسته ادراکی تقسیم می‌کنند. کسانی که منافع‌شان را از طریق فعالیت‌های تروریستی به پیش می‌برند (ما) و کسانی که در برابر آنها اقدامات تروریستی انجام می‌شود (آنها)؛ حملات تروریستی هنگامی انجام می‌شود که یک گروه هویت خود را از سوی دیگران در خطر ببیند.	نظریه هویت
فرهنگی- سیاسی	اختلافات فرهنگی و تمدنی عمیق و افزایش خودآگاهی تمدنی را دلیل عمده شکل‌گیری این پدیده می‌داند.	نظریه برخورد تمدن‌ها
روانشناختی	کسانی که در فعالیت‌های تروریستی درگیر هستند، از لحاظ روانی الزاماً افرادی غیرطبیعی، نابهنجاری و داری مشکلات شخصی و خانوادگی هستند.	تبیین روان‌شناختی
سیاسی	برخی از ایدئولوژی‌ها مانند فاشیسم، آنارشیسم و بنیادگرایی مذهبی موجب شکل‌گیری تروریسم می‌شوند.	ایدئولوژی
سیاسی	تروریسم حاصل واکنش قهری و خشونت‌آمیز جوامع و کشورهای عقب‌افتاده در مقابل دخالت‌های خارجی یا سیاسی و حضور اقتصادی و فرهنگی قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای است.	ویژگی‌های نظام بین‌الملل

۴-۳- جغرافیا و تروریسم

جغرافی‌دانان به‌طور عام و جغرافی‌دانان سیاسی به‌طور خاص علاقه کمی به مطالعه پدیده تروریسم دارند. بنابراین سهم جغرافی‌دانان در توسعه مفهومی تروریسم بسیار ناچیز است (Kolit and Charney, 2006: 355). پیشگام مطالعات جغرافیایی تروریسم کرینشو، میدالسکی و یوشیدا هستند که به بررسی انتشار و سرایت تاکتیک‌ها و حوادث تروریستی پرداخته‌اند. تعدادی از جغرافی‌دانان نیز با طرح پرسش کلاسیک درباره تحلیل مکانی تروریسم به مطالعه این پدیده روی آورده‌اند (Ibid, 354). مطالعات جغرافیایی دیگر نشان داده است که حملات تروریستی بیشتر در مناطق شهری که تراکم جمعیت در آنها بالاست صورت می‌گیرد. به‌عبارت دیگر، تروریست‌ها اهداف مورد نظر خود را به شکلی منطقی انتخاب کرده و به سراغ مکان‌هایی می‌روند که حمله به آنها بالاترین میزان تلفات را به‌دنبال داشته باشد (Ibid). دیگر کارشناسان جغرافیا، تروریسم را یک خطر تلقی می‌کنند، در این رویکرد، مکان‌های آسیب‌پذیر در برابر حملات تروریستی و ساز و کارهای لازم برای کاهش آسیب‌پذیری‌ها شناسایی می‌شوند. بسیاری از پژوهشگرانی که از این رویکرد استفاده می‌کنند، معتقدند باید از سامانه اطلاعات جغرافیایی برای مدیریت خطرات ناشی از تروریسم استفاده کرد (Gallaher et al, 2012: 269). بر همین اساس در ژانویه ۲۰۰۲ «انجمن جغرافی‌دانان آمریکا» یک کارگاه آموزشی درباره تروریسم و جغرافیا در واشنگتن دی.سی برگزار کرد. این کارگاه آموزشی به انتشار کتابی تحت عنوان «ابعاد جغرافیایی تروریسم» منتهی شد. در این کتاب به چهار موضوع اشاره شده است که جغرافی‌دانان می‌توانند درباره آنها فعالیت داشته باشند. این موضوعات عبارت‌اند از: کاهش آسیب‌پذیری در برابر تهدیدات، کشف تهدیدات، کاهش تهدیدات، و بهبود واکنش به تروریسم. این کتاب همچنین یک هدف مهم را نیز مشخص کرده است و آن ایجاد «اداره امنیت جغرافیایی» در داخل وزارت امنیت داخلی آمریکا بود (Cutter et al, 2003). الکساندر مورفی^۱ جغرافی‌دان برجسته آمریکایی در زمینه تحقیقات تروریسم سه نوع

1- Alexander B. Murphy

فضا را شناسایی کرده است: «فضاهای فعالیت»، «فضاهای سیاست» و «فضاهای ادارکی»؛ فضاهای فعالیت به پایگاه جغرافیایی و منابع تروریست‌ها یا گروه‌های شورشی مربوط می‌شود. فضاهای سیاست به سیاست‌های سرزمینی دولت مربوط می‌شود که ممکن است بر نقش تروریسم تأثیر بگذارد، فضاهای ادارکی به چگونگی درک و فهم از مکان و سیاست مربوط می‌شود، به‌طور مثال برداشت القاعده از ایالات متحده و مداخله غرب یک عنصر مهم در فعالیت تروریستی آن دارد (Murphy, 2003: 48-52). در مجموع در مطالعات جغرافیایی تروریسم به تأثیرگذاری متقابل ویژگی‌ها و شرایط فضایی و جغرافیایی با تروریسم پرداخته می‌شود (Izady and Dabiri, 2013: 96). اما این مطالعات از یک سیستم و چهارچوب نظری خاص پیروی نمی‌کنند.

۴- یافته‌های تحقیق

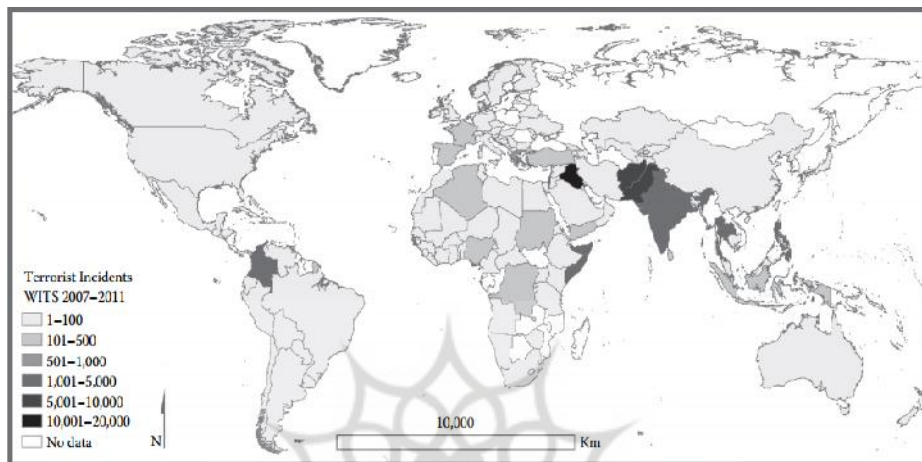
۴-۱- ابعاد مکانی- فضایی تروریسم

به‌منظور تدوین یک چهارچوب نظری مشخص برای مطالعات جغرافیایی تروریسم، بایستی ابعاد مکانی- فضایی تروریسم و حملات تروریستی شناسایی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. این ابعاد را می‌توان در قالب شش پرسش مطرح و بررسی نمود.

۴-۱-۱- توزیع فضایی- مکانی تروریسم (تروریسم در چه فضاهایی شکل می‌گیرد؟)

یکی از مهم‌ترین مباحث ساختاری در مطالعات جغرافیایی تروریسم، این مطلب است که تروریسم در کجا شکل می‌گیرد. گروه‌های تروریستی سازمان یافته در خلاء جغرافیایی فعالیت نکرده، بلکه در کشورهای مشخصی فعالیت دارند که می‌توانند از آنجا به کشورهای دیگر دسترسی داشته باشند. آنها بخش بزرگی از قدرت خود را مدیون کشورهای هستند که از آنها حمایت کرده و یا به آنها پناه می‌دهند (Cohen, 2008: 186-187). توزیع فضایی تروریسم و فراوانی اقدامات تروریستی در مناطق و کشورهای خاصی نشان‌دهنده تأثیر شرایط و ویژگی‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی این مناطق و کشورها در شکل‌گیری و رشد

تروریسم است. در واقع حوادث تروریستی هنوز در مناطق جغرافیایی خاصی متمرکز هستند و در دیگر نقاط به ندرت اتفاق می‌افتند. بنابراین برخی از فضاهای جغرافیایی در مقیاس ملی و بین‌المللی به زمین‌های بارور برای رشد، گسترش و انتشار تروریسم تبدیل شده‌اند که این امر مطالعه تروریسم را از منظر فضایی الزامی می‌سازد. آمار چند سال اخیر حاکی از آن است که تمرکز جغرافیایی حملات تروریستی بیش از پیش افزایش یافته است به طوری که در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ میلادی بیش از ۷۵ درصد از کل حملات تروریستی در جنوب آسیا و خاور نزدیک اتفاق افتاده است. ۸۵ درصد حملات تروریستی در این دو منطقه در سه کشور عراق، افغانستان و پاکستان به وقوع پیوسته است. از سوی دیگر در سایر مناطق و قاره‌ها برخی از کشورها بیش از همسایگان خود شاهد حملات تروریستی بوده‌اند. در قاره آفریقا سه کشور سودان، نیجریه و سومالی بیشتر تعداد حملات تروریستی را تجربه کرده‌اند و در قاره اروپا و اوراسیا دو کشور ترکیه و روسیه ۷۰ درصد حملات تروریستی این قاره را در سال ۲۰۱۱ به خود اختصاص داده‌اند. در قاره آمریکای جنوبی نیز کشور کلمبیا به شدت از حملات تروریستی و خرابکاری رنج می‌برد (NCTC, 2012: 10). تمرکز حملات تروریستی در منطقه شامات و کشورهای عراق و سوریه از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ بیش از هر منطقه و کشوری در جهان بوده است. این کانون‌های جغرافیایی تروریسم مطمئناً نقش و تأثیر زیادی در حوادث تروریستی آینده خواهند داشت.



نقشه شماره ۱: توزیع فضایی حملات تروریستی بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱

(Data sources: terrorist incidents—National Counterterrorism Center, 2012)

با بررسی کشورهایی که در آن گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی فعال هستند می‌توان نتیجه گرفت از لحاظ نظری کشورهای ورشکسته^۱ بیشتر گروه‌های تروریستی را در خود جای می‌دهند و بیشترین میزان حملات تروریستی را تجربه می‌کنند. علاوه بر این شهروندان این کشورها به گروه‌های تروریستی می‌پیوندند و در اقدامات تروریستی شرکت می‌کنند. قلمرو این کشورها نیز به‌عنوان پایگاهی برای راه‌اندازی حملات تروریستی در خارج از این کشورها استفاده می‌شود. محققان و نویسندگان دو دلیل عمده را برای شکل‌گیری تروریسم در کشورهای ورشکسته ذکر می‌کنند. نخست آنکه حکومت کشورهای ورشکسته فاقد کفایت و قدرت لازم برای اجرای قانون و اعمال حاکمیت در داخل سرزمین‌شان هستند، به‌همین دلیل هزینه‌های امنیتی برای فعالیت‌های تروریستی در این کشورها بسیار پائین است. این کشورها مکان مناسبی برای سازماندهی، آموزش، کسب درآمد، راه‌اندازی تدارکات و ارتباطات و فراتر از آن ایجاد شبکه‌های از خانه‌های امن در کشورهای غیر ورشکسته محسوب می‌شوند. دومین تأثیر کشورهای ورشکسته در رشد و توسعه تروریسم این مطلب است که چنین حکومت‌های

1- Failed State

منابع عظیم نیروی انسانی برای گروه‌های تروریستی محسوب می‌شوند. شهردان چنین کشورهایی به دلیل فقر، نارضایتی، ناامنی، احساس تبعیض، خشونت، تعصب قومی - مذهبی به راحتی به عضویت گروه‌های تروریستی در می‌آیند (Piazza, 2008: 471-472). بنابراین تروریسم در فضاها و ویژگی‌های و شرایط خاصی دارند، مستعد شکل‌گیری و رشد است.

۲-۱-۴- مکان‌های مورد حمله تروریست‌ها (تروریست‌ها چه مکان‌هایی را مورد هدف قرار می‌دهند؟)

یکی از ابعاد مطالعات جغرافیایی تروریسم که مربوط به عملکرد آنها است، این مسئله است که تروریست‌ها معمولاً چه مکان‌هایی را مورد هدف قرار می‌دهند؟ آیا تروریست‌ها مکان‌های مورد حمله خود را به صورت تصادفی انتخاب می‌کنند یا به حمله به مکان‌هایی خاص در جغرافیای شهرها و کشورها علاقه‌مند هستند؟ واقعیت آن است که تروریست‌ها تلاش می‌کنند مکان‌های را مورد حمله قرار دهند که دارای ارزش نمادین باشد و ضمن ایجاد تلفات سنگین فیزیکی - انسانی، رعب و وحشت شدیدی در جامعه هدف ایجاد نماید. با بررسی مکان‌ها و فضاهایی که در حملات تروریستی مورد هدف قرار گرفته‌اند می‌توان این مکان‌ها را به سه دسته زیر طبقه‌بندی کرد:

الف- مکان‌های عمومی: در محیط شهری فضاهای عمومی را به‌عنوان مکان‌هایی باز و قابل دسترس تعریف می‌کنند. در واقع این فضاها در تقابل با فضای خصوصی قرار دارند (Garico-Ramon et al, 2004). مکان‌های عمومی به دلیل استفاده عمومی از آن دارای حفاظت امنیتی چندانی نمی‌باشد و به راحتی در دسترس تروریست‌ها قرار دارد. فضاها و مکان‌های عمومی که ممکن است مورد حمله تروریستی قرار بگیرند خود به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌شوند. نخست مکان‌ها و فضاهای که در طول شبانه روز مورد استفاده تعداد زیادی از افراد قرار گیرند مانند: میادین، خیابان‌ها و معابر اصلی و مرکزی شهر، ایستگاه‌های اتوبوس درون شهری و برون شهری، مترو و غیره این مکان‌ها معمولاً جمعیت متراکمی را دربر می‌گیرند. دومین دسته از مکان‌های عمومی شامل نقاط و مراکز تفریحی می‌باشند. مانند: پارک‌ها، کلوب‌ها و باشگاه‌های شبانه، سینماها، ورزشگاه‌ها، شهربازی‌ها و غیره. این مکان‌ها در زمان‌های خاصی

دارای جمعیت متراکم و زیادی می‌باشند. سومین دسته مکان‌های تجاری و خدماتی در کلان شهرها می‌باشند. مانند: مجتمع‌های خرید، فروشگاه‌های زنجیره‌ای و بزرگ، هتل‌های معروف، بازارهای خرید. بالاخره چهارمین دسته از مکان‌های عمومی شامل مکان‌های مذهبی می‌شود. مانند: مساجد و کلیساهای مهم و بزرگ، معابد، کنسپه‌ها، بقاع متبرکه و غیره (Izady and Dabiri, 2014:8). مکان‌های عمومی مکرراً مورد حمله تروریستی قرار می‌گیرند و بیشترین تعداد قربانیان از حمله تروریستی به این مکان‌ها حاصل می‌شود. معمولاً متداول‌ترین نوع حمله تروریستی به مکان‌های عمومی بمب‌گذاری و حمله مسلحانه است

ب- زیرساخت‌های حیاتی: زیرساخت‌های حیاتی در یک کشور به مجموعه‌ای از مکان‌ها، ساختمان‌ها و مجتمع‌های گفته می‌شود که وجود و فعالیت آنها برای حفظ و انجام کارکرد سیستم و فضای شهر و کشور الزامی است و در صورت ایجاد اختلال در عملکرد این زیرساخت‌ها زندگی شهروندان و مردم دچار چالش و آسیب شدید می‌گردد (Ibid: 9). این زیرساخت‌ها شامل زیرساخت‌های حمل و نقلی، انرژی، آب، برق و مخابرات می‌شود. به همین خاطر، تمرکز اقدامات تروریستی بر روی این شبکه‌ها افزایش یافته است (Eftekhari, 2002:313). در میان زیرساخت‌ها حیاتی، سیستم حمل و نقلی شامل مترو، فرودگاه، ایستگاه‌های درون شهری و وسایل حمل و نقل عمومی و همچنین زیرساخت‌های انرژی شامل تانکرهای انتقال انرژی، پالایشگاه‌های نفت و گاز، خطوط انتقال انرژی، ایستگاه‌های عرضه انرژی و شبکه‌های انتقال برق شاهد بیشترین میزان حملات تروریستی بوده‌اند.

ج- نمادها و چشم‌اندازهای قدرت سیاسی حاکم (مکان‌ها حکومتی و دولتی): امروز تروریست‌ها برای به چالش کشیدن حکومت‌ها و همین‌طور جلب توجه رسانه‌ها و اعلام موجودیت، نمادها و چشم‌اندازهای سیاسی و حتی غیرسیاسی قدرت حاکم را مورد حمله قرار می‌دهند. این چشم‌اندازها معمولاً شامل ساختمان مجلس، کنگره، وزارتخانه‌ها، استانداری‌ها، دفتر نخست‌وزیری و یا ریاست جمهوری، مجتمع‌های قضایی، رادیو و تلویزیون ملی، ساختمان‌ها و مراکز حکومتی و حتی تندیس‌ها و مجسمه‌های دولتی می‌شود. این نمادها و چشم‌اندازها برای حکومت به‌عنوان ابزار سیاسی عمل می‌کند زیرا به مردم یادآوری می‌کنند چه

کسی بر مسند قدرت نشسته است و یا ایدئولوژی و یا فلسفه اصلی حاکم بر جامعه چیست (Jones, 2007:212). در واقع کارکردهای چشم‌اندازهای سیاسی قدرت حاکم و ویژگی‌های آنها تروریست‌ها را ترغیب می‌کنند که با هدف‌گیری و نابودی این مکان‌های و ساختمان‌های خاص، ایدئولوژی سیاسی حاکم را به چالش بکشانند.

نکته مهم این است که شهرها، و مخصوصاً کلان‌شهرهای بزرگ، یکی از فضاهایی هستند که به‌دلیل تمرکز جمعیتی، وجود زیرساخت‌های اقتصادی، سیاسی و وجود چشم‌اندازها و نقاط نمادین، برای حملات تروریستی جذابیت زیادی دارند. در چهار دهه گذشته، شهرها هدف بیش از دوازده هزار حمله تروریستی بوده‌اند که بیش از ۷۳۰۰۰ نفر تلفات در پی داشته است. از هر چهار حمله تروریستی، سه مورد آنها در شهرها رخ داده است و از هر پنج قربانی در حملات تروریستی نیز، چهار مورد آنها در شهرها بوده‌اند. اهمیت حملات تروریستی در شهرها به این دلیل است که غیرنظامیان قربانیان اصلی آنها هستند (Savitch, 2008: 3). بنابراین در بسیاری از کشورها درصد بالایی از حملات تروریستی و تلفات ناشی از آن در شهرها اتفاق می‌افتد. به‌طوری که بعضی از شهرهای جهانی مانند لندن به‌تنهایی ۸۵٪ از کل حوادث تروریستی انگلستان و ۹۹٪ قربانیان را به‌خود اختصاص داده است. شهرهای جهانی دیگر مانند نیویورک و پاریس، نیز به‌ترتیب ۹۲ و ۹۴٪ از کل قربانیان حملات تروریستی در کشورشان را متحمل شده‌اند. این امر نشان‌دهنده میزان آسیب‌پذیری کلان‌شهرها در برابر حملات تروریستی است (Ibid).

۳-۱-۴- قلمروخواهی و سازمآندهی فضا (هدف سرزمینی تروریست‌ها چیست؟)

قلمروخواهی یک فرآیند هدفمند به‌شمار می‌آید و ممکن است اهداف مختلف اقتصادی، امنیتی، هویتی، انگیزشی و حتی عاطفی را دنبال کند به‌همین دلیل آن را یک استراتژی انسانی تلقی می‌کنند (Mirhaydar, 2005: 17). از آنجا که گروه‌های تروریستی برای به‌دست آوردن نفوذ سیاسی، قدرت و کنترل در کشور خود و یا منطقه گسترده‌تری در تلاش هستند (Neumayer and Plumber, 2011:4). این استراتژی را در مقیاس‌های مختلف فضایی به‌کار می‌برند. بنابراین جنبه جغرافیایی مهم از مبحث تروریسم قلمروخواهی و تلاش

برای سازماندهی مجدد فضای جغرافیایی است. سازمان‌ها و گروه‌های تروریستی با هر هدف و انگیزه‌ای به‌طور معمول برای کنترل سرزمین و مردمان داخل آن نبرد می‌کنند. تروریست‌ها تلاش می‌کنند با کنترل سرزمین، جمعیت و منابع کمیاب آرایش فضایی - سیاسی یک ناحیه، کشور، منطقه و حتی جهان را دچار تغییر نمایند و سازماندهی مجددی را در فضای جغرافیایی ایجاد کنند. قلمروخواهی و سازماندهی سیاسی فضا توسط گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی در سطوح و اشکال مختلف ذیل صورت می‌پذیرد.

جدول شماره ۳: سطوح مختلف قلمروخواهی و سازماندهی فضا توسط گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی

نمونه‌ها و مصادیق	سطوح و اشکال مختلف قلمروخواهی و سازماندهی سیاسی فضا توسط گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی
مجاهدین خلق ایران، طالبان در افغانستان، تلاش‌های گروه‌های تروریستی در سوریه و عراق برای سرنگونی حکومت این کشورها.	گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی که تلاش می‌کنند با سرنگون کردن یک حکومت و قدرت سیاسی در یک گسترده جغرافیایی سیاسی مشخص (کشور)، فضای جغرافیایی موجود را براساس برنامه‌ها، اهداف و ایدئولوژی خود سازماندهی نمایند.
پ. ک. ک در خاورمیانه، اتا در اسپانیا، ببرهای تامیل در سریلانکا، اترشی آزادی بخش ایرلند در بریتانیا، جنبش آزادی بخش آچه در اندونزی.	سازمان‌های تروریستی که برای کسب خود مختاری و یا جدایی طلبی و استقلال یک گروه قومی، فرهنگی تلاش می‌کنند. در میان تمام گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی، این سازمان‌ها شدیدترین شکل سرزمین‌گرایی و قلمروخواهی را دارا می‌باشند و اساساً شکل‌گیری و رشد آنها براساس هدف جغرافیایی و سیاسی شکل‌دهی به یک کشور مستقل است. در مجموع بین سالهای ۱۹۶۸ و ۱۹۷۷ تعداد ۴۹ گروه ضد استعماری، جنبش‌های ملی و گروه‌های جدایی طلب قومی از ابزار تروریسم استفاده می‌کردند (Stepanovan, 2008: 36).
حمله شیمیایی دولت بعثی عراق علیه بخشی از شهروندان خود، اقدامات تروریستی بر علیه مسلمانان میانمار که با بی‌تفاوتی و حمایت دولت این کشور صورت می‌پذیرد. نسل کشی و تجاوز جنسی به زنان مسلمان توسط صرب‌ها در طول جنگ بوسنی.	سومین شکل از سازماندهی فضا و سرزمین‌گرایی توسط تروریسم دولتی و گروه‌های تروریستی انجام می‌گیرد که توسط دولت‌ها حمایت می‌شوند. در واقع برخی از دولت‌ها برای حفظ و تقویت نظم سیاسی - فضایی موجود در قلمرو جغرافیایی و ژئوپلیتیکی خود از اقدامات تروریستی استفاده می‌کنند. تمام گونه‌های نسل کشی و پاکسازی قومی که توسط صاحبان قدرت انجام می‌شود در این سطح قرار می‌گیرد.
القاعده و انشعابات وابسته به آن در سراسر جهان مانند: داعش، الشباب، لشکر طیبه، جماعت اسلامی، بوکو حرام و ...	اقدامات تروریستی شبکه‌های تروریستی جهانی که به‌منظور تغییر در الگوهای مدیریت جهانی و اخراج غربی‌ها و غیرمسلمانان از سرزمین‌های اسلامی (Pape, 2005: 8) و همچنین سرنگونی رژیم‌های غیراسلامی و ایجاد یک خلافت اسلامی در سراسر جهان صورت می‌پذیرد.

بنابراین گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی کم و بیش دارای اهداف سرزمینی و جغرافیایی هستند و تلاش می‌کنند سازماندهی مجددی را در فضای جغرافیایی ایجاد نمایند یا سازمان سیاسی موجود را حفظ کنند. این بعد جغرافیایی تروریسم دارای ماهیت ساختاری است، زیرا که مربوط به فلسفه و هدف جغرافیایی شکل‌گیری گروه‌های تروریستی است.

۴-۱-۴- مقیاس فضایی و محدوده جغرافیایی عملکرد تروریست‌ها (تروریست‌ها در چه مقیاس و قلمرو جغرافیایی عمل می‌کنند؟)

یکی دیگر از ابعاد فضایی تروریسم محدوده جغرافیایی عملکرد گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی است که در آن حملات و اقدامات تروریستی خود را سازماندهی و انجام می‌دهند. در واقع هر گروه یا سازمان تروریستی محدوده مشخص جغرافیایی را برای فعالیت و عمل خود در نظر می‌گیرد. تروریسم براساس محدوده جغرافیایی عملکرد به سه مقیاس ملی (داخلی)، منطقه‌ای و جهانی تقسیم می‌شوند. تروریسم در انواع مقیاس جغرافیایی دارای ویژگی‌ها و اهداف مشخصی هستند. هرچه مقیاس عملکرد تروریست‌ها گسترده‌تر می‌شود حملات و اقدامات تروریستی شدیدتر و خطرناک‌تر است.

تروریسم داخلی محدود به یک مکان جغرافیایی خاص یا منطقه در داخل مرزهای یک کشور است. گروه‌ها یا سازمان‌های تروریستی که در مقیاس ملی یا داخلی عمل می‌کنند دارای بیشترین میزان وابستگی مکانی به یک قلمرو جغرافیایی هستند و در جنبه‌های مختلف عاملان، حامیان، قربانیان و اهداف مربوط به جغرافیای سیاسی یک کشوراند و بعد فراملی ندارند. وجود یک عنصر فراملی در تروریسم آن را تبدیل به تروریسم منطقه‌ای یا بین‌المللی می‌کند. این عنصر می‌تواند شامل عاملان، حامیان، قربانیان و اهداف حملات تروریستی باشد. در نهایت سازمان‌های تروریستی که در مقیاس جهانی عمل می‌کنند دارای بیشتر جابه‌جایی فضایی و کمترین وابستگی مکانی هستند این شکل از تروریسم در مقیاس کروی منتشر شده است و از نظر اهداف، اعضاء و پناهگاه نیز ویژگی جهانی و فراسرزمینی دارد. تروریسم جهانی خود را محدود به سرزمین و یا دولتی مشخص نکرده و حیطة عمل آن عمدتاً گسترده و بعضاً کل نظام

بین‌الملل را محدوده عملیاتی خود قرار می‌دهد. به طوری که سازمان تروریستی القاعده که یک سازمان تروریستی جهانی است، در بیش از ۳۷ کشور (برخی از آمارها بیش از ۶۰ کشور) فعالیت می‌کند (Cohen, 2008: 186).

جدول شماره ۴: مقیاس فضایی و هدف سرزمینی تعدادی از گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی

نام سازمان تروریستی	محل فعالیت	مقیاس عملکرد	هدف سرزمینی و جغرافیایی
مجاهدین خلق ایران	ایران	داخلی (ملی)	تغیر رژیم سیاسی ایران
جنبش آچه آزاد	اندونزی	داخلی (ملی)	حذف ساختاری دولت اندونزی از منطقه آچه و کسب استقلال جزیره آچه
گروه ابوسیف	جنوب فلپین	داخلی (ملی)	خودمختاری مسلمانان غرب مینداناو و مجمع الجزایر سولو
جنبش برای آزادی دلتای نیجر	جنوب نیجریه	داخلی (ملی)	بیرون انداختن همه کمپانی‌های نفتی از منطقه دلتای نیجر
ارتش آزادی بخش ایرلند	ایرلند شمالی	داخلی (ملی)	بیرون کردن نیروی بریتانیایی از ایرلند شمالی
پ. ک. ک	ایران، عراق، ترکیه	منطقه‌ای	هدف نهایی شکل‌دهی به یک کشور مستقل کردی؛ یا حداقل کسب خودمختاری زبانی - قومی
لشکر طیبه	کشمیر، پاکستان، جنوب آسیا	منطقه‌ای	هدف این گروه تشکیل یک دولت اسلامی در جنوب آسیا و آزادی مسلمانان کشمیر هند اعلام شده است.
اتا	شمال اسپانیا و جنوب غرب فرانسه	منطقه‌ای	شکل‌دهی به یک کشور مستقل در شمال شرق اسپانیا و جنوب غرب فرانسه
جماعت اسلامی	اندونزی، مالزی و فلپین	منطقه‌ای	شکل‌دهی به یک خلافت اسلامی که اندونزی، مالزی، جنوب تایلند، سنگاپور، بروئی و جنوب فلپین را پوشش دهد.
بوک الحرام	شمال تیجریه، شمال کامرون، جنوب نیجر، چاد	منطقه‌ای	اجرای شریعت اسلامی و نهایتاً تأسیس یک حکومت براساس شریعت اسلام
شبکه جهانی القاعده	خاورمیانه، آفریقا، شبه قاره، شرق آسیا	جهانی	اخراج غربی‌ها و غیرمسلمانان از سرزمین‌های اسلامی، سرنگونی رژیم‌های غیر اسلامی و ایجاد یک خلافت اسلامی در سراسر جهان.

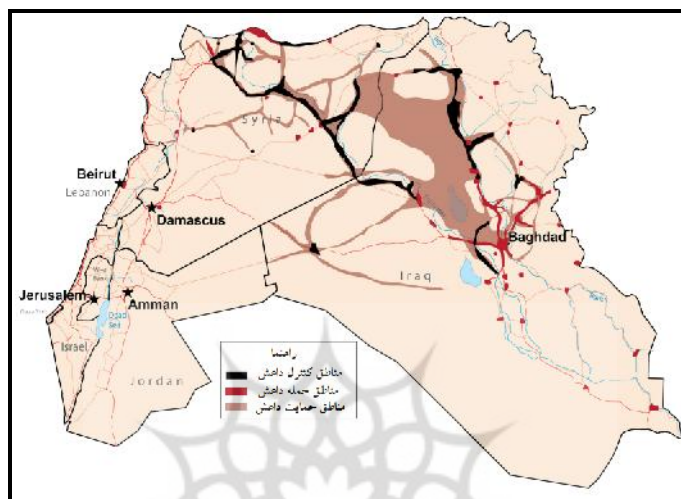
(Country Reports on Terrorism, 2010: 198-204)

۵-۱-۴- استفاده تروریست‌ها از مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی (تروریست‌ها چه استفاده‌ای از مکان‌ها و فضاهای می‌کنند؟)

تروریست‌ها از بسیاری از روش‌های جغرافیایی نظامی در حملات خود استفاده می‌کنند. از شش اصل جغرافیای استراتژیک که شامل: ۱- دسترسی؛ ۲- تحرک؛ ۳- دید؛ ۴- قابلیت برقراری ارتباط؛ ۵- در دسترس بودن؛ ۶- آسیب‌پذیری است (Peltier & Etzel-Pearcy, 20: 1966) حداقل ۴ مورد آن مورد استفاده تروریست‌ها قرار می‌گیرد. علاوه بر این، گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی تلاش می‌کنند از ویژگی‌ها و شرایط جغرافیایی مناطق مختلف به منظور افزایش توان خود استفاده کنند. برخی از گروه‌های تروریستی با بهره‌گیری از اطلاعات موجود درباره محل فعالیت خود موفق می‌شوند افراد جدیدی را به عضویت در آورده و اقدامات دولت‌ها علیه خود را خنثی کنند. یکی دیگر از روش‌هایی که تروریست‌ها هدف قرار می‌دهند عوامل و محیط جغرافیایی از جمله منابع آب، خاک، پوشش گیاهی، محصولات کشاورزی و به‌طور کلی منابع طبیعی است. حمله به منابع زیست محیطی آسیب شدید و طولانی مدتی را بر جامعه هدف تحمیل خواهد کرد. یکی از روش‌های حمله به منابع زیست محیطی، کشاورزی و دام‌ها، استفاده از مواد بیولوژیک است. حملات بیوتروریستی علاوه بر هدف قرار دادن انسان‌ها، می‌تواند اهداف مختلفی را در کشاورزی نیز شامل شود. از جمله محصولات کشاورزی، دام، تولید غذایی در تمامی فرایند تولید، انبارداری، توزیع و صادرات. کارشناسان معتقدند حمله بیوتروریستی به محصولات کشاورزی و دامی می‌تواند اقتصاد یک کشور را به شدت دچار بحران سازد (GAO, 2003: 1). علاوه بر این در سال‌های اخیر گزارش‌های متعددی در مورد تلاش تروریست‌ها برای آلوده‌سازی منابع طبیعی به‌ویژه آب منتشر شده است. این امر حاکی از گرایش تروریست‌ها در استفاده از عوامل جغرافیایی در اقدامات خود است. تروریست‌ها همچنین از فضاهای مختلف جغرافیایی اعم طبیعی و انسانی به‌عنوان پناهگاه، پایگاهی برای برنامه‌ریزی و مدیریت سازمان و محلی برای فرار و ناپدید شدن استفاده می‌کنند. از جمله این فضاها می‌توان به مناطق مرزی، نواحی جغرافیایی خالی از سکنه با جغرافیای خشن، کشورهای ورشکسته و فاقد حاکمیت، محیط شهرها و مانند آن

اشاره کرد. همچنین تروریست‌ها از تفاوت‌های فضایی- فرهنگی و اقلیت‌های قومی- مذهبی در زمینه عضوگیری، تبلیغ و حمایت مادی و معنوی بهره می‌گیرند به گونه‌ای که تعداد قابل توجهی از گروه‌های تروریستی مرکز فرماندهی خود را در قلمرو جغرافیایی یک اقلیت قومی- مذهبی بر می‌گزینند. از دیگر تکنیک‌های جغرافیایی تروریست‌ها، تلاش برای گسترش دامنه جغرافیایی درگیری و حملات تروریستی است. تروریست‌ها مرحله به مرحله تلاش می‌کنند فضاهای بیشتری را درگیر اقدامات تروریستی خود نمایند و محدود جغرافیای عملکرد خود را گسترش دهند تا اینکه در نهایت کل کشور را به محدوده عملیاتی خود تبدیل کنند. نمونه عینی چنین تاکتیکی را در اقدامات تروریستی گروه‌های شورشی در کشور سوریه و عراق می‌توان مشاهده کرد. این گروه‌ها با تصرف یک فضای جغرافیایی که در آن یک شهر مهم قرار دارد، تلاش کردند مرحله به مرحله محدوده تحت کنترل خود را توسعه دهند و در سراسر کشور اقدامات تروریستی خود را به مرحله اجرا در بیاورند و از این طریق حکومت‌های این کشورها را وادار به عقب‌نشینی و شکست نمایند (نقشه شماره ۲).

گسترش دادن دامنه جغرافیایی درگیری توسط تروریست‌ها محدود به مقیاس ملی و محدوده جغرافیایی یک کشور نیست، بلکه در مقیاس بین‌المللی نیز گروه‌های تروریستی از جمله القاعده از این تاکتیک جغرافیایی بهره می‌گیرند به گونه‌ای که بعد از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر و حمله ایالات متحده و هم پیمانانش به افغانستان (پایگاه اصلی القاعده) این شبکه تروریستی محدوده عملکرد و حملات تروریستی خود را به سایر مناطق و کشورها از جمله پاکستان، عراق، سوریه، لبنان، اردن، یمن، لیبی، تونس، سومالی و غیره گسترش داده‌اند تا به این ترتیب به اهداف سیاسی و راهبردی خود دست پیدا کنند. این امر در مورد گروه‌های تروریستی داعش نیز صادق است.



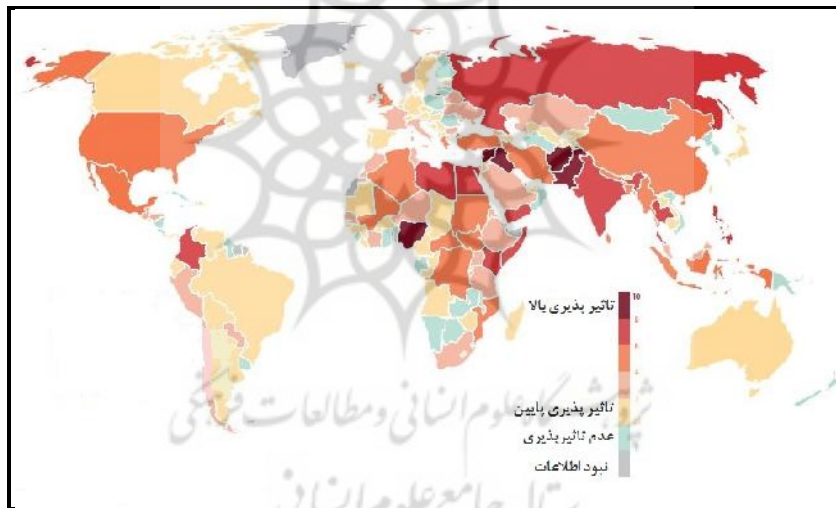
نقشه شماره ۲: گسترش دامنه جغرافیایی درگیری توسط تروریست‌ها در منطقه شامات
(Charles, 2014: 10)

۶-۱-۴- بازتاب‌های فضایی و ژئوپلیتیکی حملات تروریستی (حملات تروریستی چه بازتاب‌های فضایی و ژئوپلیتیکی به دنبال دارد؟)

پیامدها و بازتاب‌های حملات تروریستی در مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی مختلف، آخرین بعد مطالعات جغرافیایی تروریسم محسوب می‌شود. در واقع تمرکز و تعدد حملات تروریستی و فعالیت تروریست‌ها در منطقه یا کشوری می‌تواند بازتاب‌های فضایی متعددی از جمله توسعه نامنی، گسترش بحران، مهاجرت، آوارگی، فقر، شکل‌گیری کشورهای ورشکسته و ... به‌همراه داشته باشد. از سوی دیگر بسته به مقیاس و وسعت حمله تروریستی، پیامدها و بازتاب‌های فضایی و ژئوپلیتیکی آن متفاوت خواهد بود. به‌گونه‌ای که حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به برج‌های تجارت جهانی در نیویورک پیامدها و بازتاب‌های ژئوپلیتیکی متعدد و گسترده‌ای در مقیاس ملی و جهانی به‌همراه داشت. شکل‌دهی به ائتلاف بین‌المللی عیله تروریسم و آغاز عملیات بلندمدت آزادی^۱ با هدف مقابله با القاعده در افغانستان گوشه‌ای از

1- Operation Enduring Freedom

بازتاب‌های ژئوپلیتیکی حملات ۱۱ سپتامبر بود. آنچه مسلم است تأثیرپذیری کشورها از تروریسم یکسان نمی‌باشد، براساس آمار و اطلاعات سال ۲۰۱۳ کشور عراق با امتیاز ۱۰ از ۱۰ بالاترین تأثیرپذیری را از تروریسم و حملات تروریستی متحمل شده است و بعد از آن کشور افغانستان با امتیاز ۹.۳۹، پاکستان با امتیاز ۹.۳۷، نیجریه با امتیاز ۸.۵۸ و سوریه با امتیاز ۸.۱۲ قرار دارند (Global terrorism index, 2014, 8). بنابراین ارزیابی پیامدها و بازتاب‌های فضایی و ژئوپلیتیکی حملات تروریستی از دیگر ابعاد مطالعات جغرافیایی تروریسم محسوب می‌گردد.



نقشه شماره ۳: میزان تأثیرپذیری کشورها از تروریسم و حملات تروریستی در سال ۲۰۱۳

(Global terrorism index, 2014: 8)

۵- نتیجه‌گیری

رشد و گسترش حملات تروریستی در سالهای اخیر، باعث شد که تروریسم به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های جهان در قرن بیست و یکم محسوب شود و متخصصان رشته‌های مختلف علوم انسانی به‌دنبال تبیین و توضیح دلایل شکل‌گیری و گسترش این پدیده باشند. در این بین، جغرافیدانان سیاسی باید ابعاد مکانی- فضایی تروریسم و حملات تروریستی را

به‌عنوان پدیده‌ای سیاسی شناسایی و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. اما مطالعات جغرافیایی تروریسم نظامند نیست و کارشناسان جغرافیا که در مورد تروریسم و حملات تروریستی مطالعاتی را انجام داده‌اند از چهارچوب خاصی پیروی نمی‌کنند. بنابراین برای تبیین ماهیت و چیستی مطالعات جغرافیایی تروریسم، نخست باید ابعاد و مسائل مکانی- فضایی تروریسم شناسایی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. مسئله پژوهش حاضر این است که تروریسم و حملات تروریستی دارای چه ابعاد مکانی- فضایی هستند؟

در مجموع تروریسم دارای شش بعد مکانی- فضایی مهم است. نخستین جنبه جغرافیایی آن، این است که تروریسم در چه فضاها جغرافیایی شکل می‌گیرد. در واقع ویژگی فضاها، مناطق و کشورهایی که تروریسم در آنها شکل می‌گیرد یک موضوع اساسی در بحث جغرافیای تروریسم است. دومین بعد مطالعات جغرافیایی تروریسم مکان‌ها و نقاط حملات تروریستی است، اینکه تمرکز و فراوانی حملات تروریستی در چه مکان‌هایی است. سومین موضوع، قلمروخواهی و اهداف سرزمینی تروریست‌ها است. تقریباً تمام گروه‌های تروریستی دارای اهداف سرزمینی‌اند و به‌دنبال ساماندهی فضایی یا برهم زدن سازمان سیاسی در یک محدوده جغرافیایی خاص هستند. چهارمین بعد مکانی- فضایی تروریسم، مقیاس جغرافیایی عملکرد تروریست‌هاست که به‌طور کلی در سه مقیاس داخلی، منطقه‌ای و جهانی عمل می‌کنند. پنجمین بعد مطالعاتی تروریسم از منظر جغرافیایی، استفاده تروریست‌ها از ویژگی‌ها و شرایط مکان‌ها و فضاها جغرافیایی به‌منظور حملات تروریستی و یا تقویت و گسترش اقداماتشان است. در نهایت ششمین بعد مکانی- فضایی تروریسم مربوط به بازتاب‌های فضایی و ژئوپلیتیکی شکل‌گیری تروریسم و حملات تروریستی می‌شود. این بازتاب‌ها می‌تواند طیفی گسترده از مهاجرت، آوارگی، قتل و عام، ناامنی، عملیات نظامی و عدم توسعه را در یک منطقه یا کشور به‌دنبال داشته باشد.

ابعاد مکانی- فضایی تروریسم را با رویکرد کلاسیک جغرافیای سیاسی که همان علم مطالعه کنش متقابل جغرافیا و سیاست است، می‌توان طبقه‌بندی نمود. بنابراین شش بعد مکانی- فضایی تروریسم به دو دسته تقسیم می‌شوند، نخست ابعادی که به تأثیر و نقش

مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی در شکل‌گیری و تقویت تروریسم می‌پردازند و دوم، ابعادی که به اثرگذاری تروریسم در مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی توجه دارد.

جدول شماره ۵: تأثیرات متقابل جغرافیا و تروریسم

<p>تروریسم در چه فضاهای جغرافیایی شکل می‌گیرد؟ گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی براساس چه هدف سرزمینی و جغرافیایی شکل گرفته و فعالیت می‌کنند؟ تروریست‌ها در فعالیت‌های خود چه استفاده‌ای از مکان و فضای جغرافیایی می‌کنند؟</p>	<p>تأثیر مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی در شکل‌گیری و تقویت تروریسم</p>
<p>تروریسم چه مکان‌هایی را مورد حمله قرار می‌دهد؟ گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی در چه مقیاس و قلمرو جغرافیایی عمل می‌کنند؟ حملات تروریستی چه بازتاب‌های فضایی و ژئوپلیتیکی را به همراه خواهد داشت؟</p>	<p>اثرگذاری تروریسم در مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی</p>

بنابراین بررسی هر موضوعی در ارتباط با تروریسم و حملات تروریستی که این ابعاد مکانی - فضایی را شامل شود، در حیطه علم جغرافیای سیاسی قرار دارد و هر مسئله‌ای از تروریسم که خارج از این ابعاد باشد، در قلمرو موضوعی جغرافیای سیاسی قرار ندارد.

۶- قدردانی

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از همکاری معاونت پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی در انجام پژوهش حاضر تشکر و قدردانی داشته باشند.

References

1. Aust, Anthony (2010), *Handbook of International Law* (2nd Ed.), Cambridge University Press.
2. Charles C. Caris & samuel Reynolds (2014), *Middle East Security Report 22, ISIS Governance In Syria*, Institute for the Study of War.
3. Cohen, Saul Bernard (2008), *Geopolitics of the World System*, Theran, International Studies & Research Institute [In Persian].
4. *Country Reports on Terrorism* (2010), United States Department of State Office of the Coordinator for Counterterrorism Released August 2011.
5. Cutter, Susan L., Douglas B. Richardson, Thomas J. Wilbanks, (2003), *the Geographical Dimensions of Terrorism*, Published: Routledge.
6. 6- CRS (2008), *Defining Terrorism*, Congressional Research Service Report for Congress.
7. Eftekhari, Asghar (2002), *The basic idea of Security Studies*, Tehran, Institute for Strategic Studies [in Persian].
8. Gallaher, Carolyn, Carl T Dahlman, Mary Gilmartin, Alison Mountz, Peter Shirlow (2012), *Key Concepts in Political Geography*, Translators Mohammad Hassan Nami, Ali Mohammad Pour, Tehran, green olive Press [In Persian].
9. Ganor, Boaz, (2002), *Defining Terrorism: Is One Man's Terrorist another Man's Freedom Fighter?* *Police Practice and Research*, Vol. 3, No. 4, Publication Routledge. page 287- 304, DOI: 10.1080/1561426022000032060.
10. GAO, (2003), *Bioterrorism A Threat to Agriculture and the Food Supply*, United State General Accounting Office, GAO-04-259T.
11. Garico-Ramon, Maria D, Ortiz, A, Parts, M, (2004) *Urban Planning, Gender and The use of Public Space in a Peripheral Neighbourhood of Barcelona*, *Cities*, Vol. 21, No 3, Pages 215-223, DOI:10.1016/j.cities.2004.03.006.
12. *Global Peace Index* (2015), *Measuring Peace, its Causes and its Economic Value*, the Institute for Economics and Peace (IEP).
13. *Global Terrorism Index* (2014), *Measuring and Understanding the Impact of Terrorism*, the Institute for Economics and Peace (IEP).
14. Hoffman, Bruce (1998), *Inside Terrorism*, New York: Columbia University Press.
15. Izady, Hassan, Dabiri, Ali akbar (2013), *Analysis of the Geography of Terrorism in the Southeast of Iran*, *Geopolitics Quarterly*, Vol. 9, No.1 [In Persian].

16. Izady, Hassan, Dabiri, Ali akbar (2014), Assessment of Vulnerable Location adainst Terrorist Attacks in Metropolises, Case Study: Shiraz Metropolis, [In Persian] Modares Journal of Human Science, Spatial Panning, Vol. 18, No. 2.
17. Jones, Martin, Jones, Rice, Woods, Michael (2007), Introduction to political geography, translated by Zahra Pishgahifard and Reza Akbari, Tehran, Tehran University Press [In Persian].
18. Klot, Nurit, Charney, Igal (2006), the geography of suicide terrorism in Israel, GeoJournal (2006) 66:353-373, DOI 10.1007/s10708-006-9034-z.
19. Lizardo, Omar A, Bergesen Albert J. (2002), Homboldt Journal of Social Relations, Volume 27, Number2.
20. Mirhaydr, Dorreh (2005), Study of Territoriality Concept and Its transformation from a political geography perspective, Geopolitics Quarterly, Vol.1. No.1 [In Persian].
21. Murphy, A. (2003). The space of terror. In S. Cutter, D. Richardson, & Thomas Wilbanks (Eds.), the geographical dimensions of terrorism (pp. 47-52). New York: Rout ledge.
22. NCTC, Report on Terrorism 2011. (2012), National Counterterrorism Center, Office of the Director of National Intelligence, Washington, DC 20511.
23. Neumayer, Eric and Plumper, Thomas (2011), foreign terror on Americans, Journal of Peace Research 48 (1) 3-17, sagepub.co.uk/journalsPermissions.nav, DOI: 10.1177/0022343310390147, jpr.sagepub.com
24. Pape, Robert A. (2005), Dying to Win: The Strategic Logic of Suicide Terrorism. New York: Random House Trade Paperback.
25. Peltier, Louis C. & Etzel Percy, G. (1966), Military geography, Princeton, NJ: Van Nostrand.
26. Piazza, James A. (2008), Incubators of Terror: Do Failed and Failing States Promote Transnational Terrorism? International Studies Quarterly, NO 25.
27. Savitch, H.V (2008), Cities in a Time of Terorr. Space, Territory and Local Resilience, Cleveland State University.
28. Spencer, Alexander (2006), Questioning the Concept of New Terrorism, Peace Conflict & Development, Issue 8, Pp 1-33.
29. Stepanova, Ekaterina(2008), Terrorism In Asymmetrical Conflict Ideological And Structural Aspects, Oxford University Press, This PDF file was downloaded from the SIPRI Publications website, books.sipri.org.